

بررسی نکره بحران در نظر هوسرل و زمینه‌های آن در فلسفه قرن نوزدهم اروپا

سیدمسعود سیف^۱، افشین مؤذن^۲

چکیده

در اوایل قرن بیستم میلادی جریان گسترده‌یی پدیدار گشت که نویسندگان آن در اشاره به بحران علم و فرهنگ اروپایی با یکدیگر همصدا بودند. ادموند هوسرل نیز بعنوان یکی از متفکرین برجسته اروپایی در اوایل قرن بیستم، همگام با این جریان، پدیدارشناسی را بعنوان راهکار غلبه بر این بحران همه‌جانبه ارائه میکند که از نظر وی نیمه دوم قرن نوزدهم اروپا را دربرگرفته است. از نظر او این بحران بصورت فقدان وحدت و انسجام در فلسفه و علوم، اعم از علوم طبیعی و انسانی و همچنین بیگانگی علوم از زندگی روزمره انسان ظهور و بروز یافته است و ریشه‌ها و علل این بحران باید در رویکردهای علمی و فلسفی قرن نوزدهم اروپا جستجو شود. در این قرن پس از مرگ هگل، با تأثر از مکاتب هگلی و نسبی‌انگاری تاریخی برآمده از آنها،

۹۷

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۲. کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)؛ moazen.afshin@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۲



جریان‌هایی چون مارکسیسم، بیولوژیسم و هرمنوتیک تاریخ‌گرا پدید آمد که وجه اشتراک همه آنها تمایل به سمت نسبی‌گرایی بود. این جریانها هرکدام از منظر خود با نفی امکان نیل به یک حقیقت واحد و یقینی و همچنین نسبی‌سازی این حقیقت، موجبات بحران مذکور را فراهم آوردند. هوسرل پس از آشکار ساختن ماهیت بحران در مبانی تفکر غرب، از طریق خوانشی انتقادی از ریشه‌گرایی دکارتی و در جهت دستیابی به یک بنیان متقن و وحدت‌بخش برای علوم، روشی را با نام «تأویل پدیدارشناسانه» پیشنهاد نمود که برغم اینکه پس از وی انتقادات فراوانی را برانگیخت، اما به یکی از اصلیت‌ترین عناصر پدیدارشناسی تبدیل شد که تقریباً در تمامی اندیشه‌های پس از هوسرل تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: ادموند هوسرل، پدیدارشناسی، بحران علوم اروپایی، تاریخ‌گرایی، نسبی‌گرایی، تأویل پدیدارشناسانه

* * *

مقدمه

امروزه، مطالعه «پدیدارشناسی»^۱ بعنوان یکی از مکاتب مهم و تأثیرگذار قرن بیستم، میتواند در فهم بسیاری از مفاهیم فلسفه معاصر نقش قابل‌توجهی ایفا کند. همچنین بررسی آموزه‌های ادموند هوسرل^۲ بمثابة مرکز ثقل و بنیانگذار مکتب پدیدارشناسی که نقش پررنگی در شکلگیری و رواج بسیاری از مفاهیم این مکتب گسترده ایفا کرده و تأثیر فراوانی بر اغلب متفکرین پس از خود بر جای نهاده است، در حل و فصل بسیاری از مسائل امروز بسیار راهگشا خواهد بود. بنظر میرسد که توجه به پدیدارشناسی در ایران پس از بکارگیری این روش توسط هانری کربن^۳ در فلسفه اسلامی آغاز شده باشد.^(۱) از آن زمان تا کنون کم و بیش به چهره‌های برجسته مکتب پدیدارشناسی پرداخته شده است. در سالهای اخیر با معلوم شدن اهمیت پدیدارشناسی و نفوذ آن در تفکر معاصر، تحقیق و بررسی در خصوص این

۹۸

1. phenomenology
2. Edmund Husserl
3. Henry Corbin

